



مسئله ۲: نجاست بول رضيع

۱. مرحوم همدانی می نویسد:

«و المشهور بين الأصحاب أنّه لا فرق في نجاسة بول الإنسان بين الصغير منه و الكبير، بل عن السيّد دعوى الإجماع عليه . خلافا لما حكاه في المدارك و محكىّ المختلف عن ابن الجنيد أنّه قال: بول البالغ و غير البالغ نجس، إلّا أنّ يكون غير البالغ صبيّاً ذكراً، فإنّ بوله و لبنه ما لم يأكل اللحم ليس بنجس.»^۱

۲. حضرت امام هم در این مورد می نویسند:

«و أمّا بول الرضيع، فلم ينقل الخلاف في نجاسته إلّا عن ابن الجنيد، فإنّه قال: «بول البالغ و غير البالغ من الناس نجس، إلّا أنّ يكون غير البالغ صبيّاً ذكراً، فإنّ بوله و لبنه - ما لم يأكل اللحم - ليس بنجس.»

والظاهر منه نجاسة لبنه إذا أكل اللحم، و هو غريب. كما أنّ التقييد بأكل اللحم أيضاً غريب، لكن عن «المدارك» حكاية «الطعام» بدل «اللحم» عنه.»^۲

ما می گوئیم:

۱. استثناء بول صبی از نجاست بول، چنانکه معلوم است ناشی از روایاتی است که مهم ترین آنها (روایت سکونی) مورد اشاره قرار گرفت.

۲. البته روشن است که در مقابل این روایت، عمومات نجاسات بول آدمی و یا نجاست بول غیر مأکول اللحم، قابلیت تعارض ندارند چرا که رابطه این روایات، رابطه عموم و خصوص مطلق است، و به همین جهت بزرگان این روایات را ابتدا با مشکل دلالتی مواجه ساخته اند و سپس با «اجماع» به تقابل آن رفته اند.

۳. همچنین در مقابل این روایت، روایات دیگری هم هست که در آنها نجاست بول صبی ثابت است، ولی با توجه به خصوصیت روایت سکونی (صبی قبل از اکل طعام)، نسبت روایات سکونی با آن روایات، عموم و خصوص مطلق است و لذا امکان تعارض بین آنها وجود ندارد.

۴. اما روایات دال بر نجاست بول صبی (به نحو عموم)

^۱ . مصباح الفقيه، ج ۷، ص ۲۳

^۲ . کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۳، ص ۴۲



(یک) «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّبِيِّ يَبُولُ عَلَى الثَّوْبِ قَالَ تَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ قَلِيلًا ثُمَّ تَعَصِرُهُ»^۱

(دو) «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ يَعْنِي ابْنَ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَوْلِ الصَّبِيِّ يَصِيبُ الثَّوْبَ فَقَالَ اغْسِلْهُ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَجِدْ مَكَانَهُ قَالَ اغْسِلِ الثَّوْبَ كُلَّهُ»^۲

(سه) «دَعَاءُ الْمُسْلِمِ ، قَالَ الْأَصَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَوْلِ الصَّبِيِّ يَصِيبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْجَانِبِ الْآخِرِ»^۳

۵. اما روایت دال بر طهارت بول صبی قبل از آنکه غذا بخورد:

(یک) «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَبَنُ الْجَارِيَةِ وَبَوْلُهَا يُغْسَلُ مِنْهُ الثَّوْبُ قَبْلَ أَنْ تَطْعَمَ لِأَنَّ لَبَنَهَا يَخْرُجُ مِنْ مَثَانَةِ أُمِّهَا وَ لَبَنُ الْغُلَامِ لَا يُغْسَلُ مِنْهُ الثَّوْبُ وَلَا بَوْلُهُ قَبْلَ أَنْ يَطْعَمَ لِأَنَّ لَبَنَ الْغُلَامِ يَخْرُجُ مِنَ الْعُضْدَيْنِ [بازو] وَ الْمُنْكَبَيْنِ [شانه].»

وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا

وَرَوَاهُ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ ؛ وَ رَوَاهُ فِي الْمَقْنَعِ أَيْضًا مُرْسَلًا^۴

ما می گوئیم:

۱. در جعفریات هم این حدیث با سند دیگری نقل شده است

۲. سند روایت مطابق نقل تهذیب و استبصار (روایت سکونی) و همچنین سند علل بی مشکل است و سند قابل خدشه نیست.

۳. اما در روایت یک مشکل وجود دارد و آن ورود بحث از «لبن» است (مراد از «لبن جاریه» و «لبن غلام»، شیر مادر دختر بچه و مادر پسر بچه است)^۵. همین باعث شده است که مرحوم صاحب وسائل در مورد «لبن» حکم به استحباب داده است و یا وجوب غسل لبن در صورتی که با بول مجتمع شده باشد، را مطرح می کند و یا آن را حمل بر تقیه می کند (با توجه به اینکه سکونی سنی مذهب است).

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۹۷، ح ۳۹۶۷

۲. همان، ص ۳۹۸، ح ۳۹۶۹

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۵، ح ۲۷۰۶

۴. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۹۸، ح ۳۹۷۰

۵. ن ک: الانوار الحیریه و الاقمار البدریه الاحمدیه (یوسف بحرانی)، ص ۸۵



«أَقُولُ: وَ مَا تَضَمَّنَهُ مِنْ غَسْلِ الثَّوْبِ مِنْ لَبَنِ الْجَارِيَةِ مَحْمُولٌ عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ أَوْ عَلَى اجْتِمَاعِهِ مَعَ الْبَوْلِ لِلْعُطْفِ بِالْوَاوِ وَ عَوْدُ ضَمِيرٍ مِنْهُ إِلَى مَجْمُوعِ الْأُمْرَيْنِ بِاعْتِبَارِ جَعْلِهِمَا شَيْئاً وَاحِداً مَعَ احْتِمَالِهِ لِلتَّقِيَّةِ لِمُوَافَقَتِهِ لِبَعْضِ الْعَامَّةِ وَ كَوْنِ رَاوِيهِ عَامِياً»^۱

۴. مرحوم شیخ طوسی درباره این روایت می نویسد که مراد از «عدم غسل» در این روایت، آن است که «صب» ماء بر روی بول صبی قبل از طعام» کافی است ولی بول «صبی بعد از طعام» و «دختر بچه» محتاج غسل است.

« قَالَ الشَّيْخُ مَا تَضَمَّنَ مِنْ أَنَّ بَوْلَ الصَّبِيِّ لَا يَغْسَلُ مِنْهُ الثَّوْبُ مَعْنَاهُ أَنَّهُ يَكْفِي صَبُّ الْمَاءِ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يُعْصَرْ عَلَى مَا بَيْنَهُ الْحَلْبِيُّ فِي رَوَايَتِهِ الْمُتَقَدِّمَةِ »^۲

۵. روایت حلبی که شیخ مورد اشاره قرار داده است چنین است:

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَوْلِ الصَّبِيِّ قَالَ تَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ فَإِنْ كَانَ قَدْ أَكَلَ فَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ غَسْلاً وَ الْغُلَامُ وَ الْجَارِيَةُ (فِي ذَلِكَ) شَرَعٌ سَوَاءٌ»^۳

۶. توجه شود که اگر جمع شیخ طوسی را بپذیریم، نجاست بول صبی قبل از طعام ثابت است اگرچه نحوه تطهیر آن (یعنی احکام نجاست در آن) با سایر نجاستات فرق دارد.

۷. اما مطابق با روایت سکونی روایات دیگری هم موجود است که صاحب مستدرک آنها را مطرح کرده است و می توان جمع مرحوم شیخ طوسی را در آنها جاری کرد.

(دو) «الْجَعْفَرِيَّاتُ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالَ عَلَيْهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَطْعَمَا فَكَانَ لَا يَغْسِلُ بَوْلَهُمَا مِنْ ثَوْبِهِ»^۴
(سه) «السَّيِّدُ فَضْلُ اللَّهِ الرَّائِدِيُّ فِي نَوَادِرِهِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى ثَوْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطْعَمَا فَلَمْ يَغْسِلِ بَوْلَهُمَا مِنْ ثَوْبِهِ»^۵

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۹۹

۲. همان

۳. همان، ص ۳۹۷، ح ۳۹۶۸

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۴، ح ۲۷۰۳

۵. همان، ح ۲۷۰۵



ما می گوئیم:

حضرت امام درباره «بول صبی قبل از طعام» می نویسند:

«و أمّا ما ورد فی قضیة الحسنین علیهما السلام فی رواية الراوندی و «الجعفریات» عن علی علیه السلام: من عدم غسل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ثوبه من بولهما قبل أن يطعما، فلا تنافی الروایات؛ لأنّ «الغسل» منصرف أو حقيقة فيما يتعارف من انفصال الغسالة، و هو غیر لازم، فلم يفعل النبی صلى الله عليه وآله وسلم ولا ینافی لزوم الصبّ، كما تشهد به رواية الصدوق فی «معانی الأخبار»: «أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أتى بالحسن بن علی علیه السلام فوضع فی حجره فبال، فقال: «لا تزرعوا ابني» ثمّ دعا بماء فصبّ علیه». بل لا یبعد أن تكون القضية واحدة. بل ورد فی مولانا الحسین علیه السلام شبه القضية فقال: «مهلاً یا أمّ الفضل، فهذا ثوبی یغسل، و قد أوجعت ابني». و فی رواية فقال: «مهلاً یا أمّ الفضل، إنّ هذه الإراقة الماء یطهرها، فأیّ شیء یزیل هذا الغبار عن قلب الحسین علیه السلام؟!». .

مضافاً إلى أنّ الروایات الواردة فی القضیّتين، ضعاف لا ركون إليها لإثبات حکم. و أمّا رواية السکونی، عن جعفر، عن أبيه علیهما السلام: «أنّ علیاً علیه السلام قال: لبن الجارية وبولها یغسل منه الثوب قبل أن تطعم؛ لأنّ لبنها یرخرج من مثانة أمّها، ولبن الغلام لا یغسل منه الثوب ولا من بوله قبل أن یطعم؛ لأنّ لبن الغلام یرخرج من العضدين و المنکبین». فمع اشتمالها علی ما یخالف الإجماع والاعتبار، ومعارضتها لصحیحة الحلبي المصرّحة بالتسوية، وإمكان كون التصريح بها لدفع مثل ما صدر تنقیّة، وإمكان أن یقال: إنّّه لا یغسل من بوله و إن صبّ علیه، فیکون طریق جمع بینها و بین روايات الصبّ، لا تصلح لإثبات حکم مخالف للإجماع و الأدلّة العامّة و الخاصّة.^۱

توضیح:

۱. دو روایت مربوط به حسنین (ع)، منافات با نجاست بول رضیع ندارد چرا که: اولاً غسل حقیقتاً یا انصرافاً به معنای آن صورتی است که غساله از لباس جدا شود و گویی رسول الله می گویند که در تطهیر بول این معنی لازم نیست. [و لذا منافات با اصل نجاست ندارد.]
۲. و لذا در روایت [سیزده و چهارده مسئله قبل] خواندیم که در چنین موردی (که احتمالاً یک قضیه هم باشد) پیامبر (ص) امر به تطهیر کرده است.
۳. ثانیاً: روایات مذکور ضعیف است.

^۱. کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۳، ص ۴۵



۴. اما روایت سکونی (که موثق است)

۵. اولاً: این روایت مخالف اجماع است.

۶. ثانیاً: معارض با صحیح حلی است که می‌گوید دختر بچه و پسر بچه هم حکم هستند. (و اینکه در صحیح حلی تصریح کرده است به تسویه دختر و پسر ممکن است به این جهت باشد که روایات دال بر طهارت از روی تقیه صادر شده بوده است).

۷. ثالثاً: و احتمال هم دارد که مراد از «عدم غسل»، آن است که «صب» کفایت می‌کند.

ما می‌گوییم:

۱. آنچه امام در مورد معنای غسل گفته‌اند (انفصال غساله از مغسول) در کلمات دیگران هم مطرح است، اما به نظر می‌رسد -چنانکه امام هم فرمودند- صحیح حلی، ناظر به همین روایات است و می‌فرماید در جسد (که آلوده به بول شده است) صب الماء کافی است ولی ثوب نجس باید غسل شود الا ثوبی که به بول صبی (قبل از اطعام) نجس شده است، (که در آن هم صب کافی است).
اما اینکه این روایات را حمل بر تقیه نماییم، به نظر کامل نیست چرا که ظاهراً کسی در میان عامه چنین فتوایی ندارد.

۲. به نظر می‌رسد، سخن مرحوم سید مرتضی در ناصریات، در مورد این بحث سخن تمام و کاملی است:

«المسألة الثالثة عشرة [بول الإنسان نجس] «و بول الصبی الذی لم یطعم نجس کبوله إذا طعم». الصحیح فی تقریر هذه المسألة: أنه لا خلاف بین العلماء فی نجاسة أبوال بنی آدم صغیرهم و کبیرهم، و إنما اختلفوا فی بول الصبی قبل أن یطعم، فأوجب قوم فیہ الغسل کبول الکبیر، و ذهب آخرون إلى أن الغسل لا یجب، و إنما یجب الرش و النضح، و من حکى عن الشافعی أنه لیس بنجس، فقد وهم علیه . و عندنا: أن بول الغلام الصغیر لا یجب غسله من الثوب، بل یصب علیه الماء صبا، فإن کان قد أکل الطعام وجب غسله، و جائز أن یغسل الثوب من بوله علی کل حال. و قال الشافعی بمثل مذهبنا، و نص علی أنه یکفی فیہ الرش . و قال الأوزاعی: لا بأس ببول الصبی ما دام یشرب اللبن و لا یأکل الطعام ، و معنی هذا القول من الأوزاعی أنه لا بأس بترك غسله، و العدول إلى النضح و الرش. و قال أبو حنیفة، و مالک، و الثوری، و ابن حنبل: بول الصبی و الصبیه کبول الرجل، یجب غسل الجميع، و لم یفرقوا . فأما الذی يدل علی نجاسة بول الصبی ما روى عنه علیه السلام من قوله: «استنزھوا عن البول فإن عامة عذاب القبر منه» و لم یفصل بین بول الصغیر و الکبیر. و قوله علیه السلام لعمار: «إنما یغسل الثوب من البول و الدم و المنی» و لم یفصل. و



أما الذى يدل على خفة بول الرضيع، و جواز الاقتصار على صب الماء و النضح فهو إجماع الفرقة المحقة. و ما رواه أمير المؤمنين عليه السلام عن النبى صلى الله عليه و آله و سلم قال: «يغسل من بول الجارية، و ينضح من بول الصبى ما لم يأكل الطعام». و روت لنا لبابة بنت الحارث أن النبى عليه السلام أخذ الحسين بن على عليه السلام فأجلسه فى حجره، فبال عليه. قالت: فقلت له صلى الله عليه و آله و سلم: لو أخذت ثوبا، و أعطيتنى إزارك لأغسله. فقال عليه السلام: «إنما يغسل من بول الأنثى، و ينضح على بول الذكر» و قد استقصينا أيضا هذه المسألة فى مسائل الخلاف غاية الاستقصاء.^١

^١ . مسائل الناصريات، ص ٨٨